



شناسایی الزامات خلق نقدینگی هدفمند، به عنوان راهبرد دفاعی کوتاه مدت جمهوری اسلامی ایران در برابر جنگ اقتصادی دشمن

محمدحسن حسین زاده^۱

چکیده:

این مقاله با رویکردی توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر روش آمیخته (کمی-کیفی)، به شناسایی الزامات خلق نقدینگی هدفمند به عنوان یک راهبرد دفاعی کوتاه مدت در برابر جنگ اقتصادی می پردازد. هدف اصلی این پژوهش، تبیین چارچوبی جامع برای استفاده از خلق نقدینگی به منظور تحریک اقتصاد و افزایش تاب آوری آن در برابر تهدیدات خارجی است. در شرایطی که اقتصاد ایران با تهدیدات و فشارهای روزافزون خارجی مواجه است، خلق نقدینگی هدفمند می تواند به عنوان ابزاری کارساز برای مقابله با این تهدیدات و تحریک اقتصاد ملی مورد استفاده قرار گیرد. در فاز کیفی، از مطالعات کتابخانه ای و تحلیل محتوای کیفی برای استخراج مفاهیم کلیدی استفاده شده است. در فاز کمی، با استفاده از نظرسنجی و نشست های خبرگی، الزامات شناسایی شده اولویت بندی شده اند. ابزار جمع آوری داده، پرسشنامه بسته پاسخ با مقیاس لیکرت است که برای گروهی از خبرگان و صاحب نظران ارسال گردیده است. یافته های این پژوهش نشان می دهند که خلق نقدینگی هدفمند می تواند با مدیریت صحیح انتظارات تورمی، هدایت نقدینگی به سمت تولید، تقویت نظام بانکی و تأمین سرمایه در گردش برای واحدهای تولیدی، به عنوان ابزاری مؤثر برای مقابله با تهدیدات اقتصادی خارجی و تقویت رشد اقتصادی ملی عمل کند. این مقاله با ارائه یک چارچوب جامع و کاربردی، به سیاست گذاران کمک می کند تا تصمیمات بهتری در مدیریت نقدینگی اتخاذ کنند و پدافند اقتصادی قوی تری ایجاد کنند.

واژگان اصلی: خلق نقدینگی هدفمند، جنگ اقتصادی، تاب آوری اقتصادی، مدیریت نقدینگی، نظام بانکی.

مقدمه

در سالیان اخیر و با افزایش فشارهای حداکثری دشمنان علیه ملت ایران، چهره متغیر تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران نیز بیشتر ظهور و بروز نموده است. جنگ اقتصادی، به عنوان یک تهدید پیچیده و چندوجهی، به کارگیری ابزارهای اقتصادی با هدف تضعیف یا تغییر رفتار دولت هدف را در بر می‌گیرد. (Baldwin, 1985) در این راستا، حفظ ثبات اقتصادی و تقویت تاب‌آوری در برابر شوک‌های خارجی، از جمله اولویت‌های اساسی سیاست‌گذاران به شمار می‌رود و جزو مزیت‌های مدیریتی حکمرانان بوده و معیار سنجش صلاحیت آنها تلقی می‌شود. خلق نقدینگی هدفمند، به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی، در صورت استفاده صحیح، می‌تواند به عنوان یک راهبرد کوتاه‌مدت و مؤثر دفاعی در برابر فشارهای اقتصادی ناشی از جنگ اقتصادی عمل کند و تلاطم‌های مد نظر دشمن را به حداقل رسانده و بلکه زمینه رشد اقتصادی را فراهم نماید. با این حال، تجربه اقتصادهای مختلف نشان داده است که استفاده بی‌رویه از این ابزار، می‌تواند منجر به بحران‌های اقتصادی، کاهش قدرت خرید مردم و تزلزل اعتماد عمومی شود که در اقتصاد ملی ایران نیز استفاده نابهنگام از اختیار خلق پول در غالب اوقات می‌تواند چنین آثاری داشته باشد.

پول، کالا و ابزاری است که ارزش ذاتی ندارد و بر پایه اعتماد عمومی به دولت و نظام اقتصادی استوار است و دارای ارزشی وضعی و قراردادی می‌باشد. دولت‌ها و اقتصادهای ملی، با استفاده از حق انحصاری انتشار پول به میزان مورد تشخیص، می‌توانند در شرایط بحرانی نقدینگی مورد نیاز اقتصاد را تأمین کنند. با این وجود، افزایش حجم نقدینگی، در صورتی که متناسب با میزان کالای موجود، رشد تولید کالا و خدمات نباشد، منجر به افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید مردم می‌شود. کاهش قدرت خرید مردم، نه تنها یک مسئله اقتصادی، بلکه یک تهدید برای امنیت ملی نیز محسوب می‌شود. جوزف نای^۱ در نظریه قدرت نرم،^۲ بر اهمیت جذابیت فرهنگی و ارزش‌های سیاسی یک کشور در تأمین منافع ملی تأکید می‌کند. کاهش قدرت خرید و افزایش نارضایتی اقتصادی، می‌تواند جذابیت و نفوذ یک کشور را کاهش داده و به مثابه یک تهدید امنیتی، زمینه‌های بی‌ثباتی داخلی را فراهم کند. از طرفی، باری بوزان^۳، در چارچوب امنیت انسانی^۴، بر اهمیت تأمین نیازهای اساسی افراد

¹ Joseph Nye

² Soft Power

³ Barry Buzan

⁴ Human Security

جامعه، از جمله غذا، مسکن و بهداشت، تأکید دارد. کاهش قدرت خرید، توانایی افراد در تأمین این نیازها را کاهش داده و به امنیت انسانی آسیب می‌رساند که در اثر و به تبع آن مؤلفه‌های امنیت ملی و امنیت داخلی کشور آسیب می‌بیند.

در شرایط جنگ اقتصادی، کاهش مستمر قدرت خرید مردم، می‌تواند به تضعیف انسجام اجتماعی¹ و افزایش قطبیت سیاسی² منجر شود. از یک سو، کاهش قدرت خرید، توانایی افراد در مشارکت فعال در جامعه را کاهش داده و احساس تعلق به جامعه را تضعیف می‌کند. از سوی دیگر، افزایش نابرابری اقتصادی، می‌تواند شکاف بین گروه‌های مختلف جامعه را افزایش داده و به قطبیت سیاسی دامن بزند. این وضعیت می‌تواند آسیب‌پذیری کشور در برابر تهدیدات داخلی و خارجی را افزایش دهد. اتخاذ سیاست‌های انقباضی به منظور کنترل تورم، می‌تواند در کوتاه‌مدت مؤثر باشد. با این حال، اصرار بر تداوم این سیاست‌ها، می‌تواند منجر به رکود اقتصادی، افزایش بیکاری و کاهش سرمایه‌گذاری شود. استمرار این وضعیت نیز، می‌تواند به کاهش بیشتر قدرت خرید مردم و افزایش نارضایتی عمومی منجر شود. بنابراین، اتخاذ سیاست‌های انبساطی، نظیر خلق نقدینگی هدفمند، در شرایط خاص، می‌تواند یک راهکار کوتاه‌مدت برون‌رفت از مشکلات نوپدید و در عین حال ضروری باشد. با این حال، موفقیت این سیاست، در گرو شناسایی و رعایت الزامات و شروطی است که بتواند از بروز اثرات منفی آن جلوگیری کرده، منافع ملی را تأمین نموده و راهبرد مؤثر و مناسبی در برابر جنگ اقتصادی دشمن باشد.

بنابراین، سؤال اصلی این است که چگونه می‌توان از خلق نقدینگی هدفمند و ظرفیت استقراض از بانک مرکزی به عنوان یک ابزار دفاعی در برابر جنگ اقتصادی استفاده کرد، بدون آنکه امنیت اقتصادی و اجتماعی کشور بیفتد و برعکس بخش مهمی از مشکلات موجود اقتصادی و معیشتی نیز مرتفع گردد؟ به عبارت دقیق‌تر، چه الزامات، سازوکارها و سیاست‌های تکمیلی باید در نظر گرفته شود تا خلق نقدینگی، ضمن تأمین نیازهای مالی دولت و حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی، به افزایش تولید، اشتغال، رفاه عمومی و در نهایت، تقویت اعتماد عمومی منجر گردد؟ در این مقاله بر اساس یافته‌های متعدد علمی و تجربی اقتصادی-معیشتی داخلی و خارجی به این موارد پاسخ داده می‌شود.

¹ Social Cohesion

² Political Polarization

اهمیت و ضرورت تحقیق

کشورها برای دفاع در جنگ اقتصادی، به عنوان ابزاری برای تضعیف بنیان‌های اقتصادی، نیازمند راهبردهای دفاعی مؤثر هستند. خلق نقدینگی یا اعتبار، یکی از ابزارهای مفید در سیاست پولی انبساطی در این زمینه است. این نوشتار، اهمیت و ضرورت این سیاست را از منظر ایجابی (مزایای بالقوه) و سلبی (پیامدهای عدم اتخاذ)، با تأکید بر لزوم تحلیل‌های مستقل بررسی می‌کند. خلق نقدینگی هدفمند، چنانچه به میزان لازم و برای برون‌رفت از شرایط رکود و تنظیم میزان نقدینگی در اقتصاد ملی باشد، در شرایط جنگ اقتصادی، می‌تواند با تزریق منابع مالی به بخش‌های آسیب‌پذیر اقتصاد، به تقویت تولید داخلی و ایجاد اشتغال کمک کند. (Friedman, 1968) این اقدام، امکان تأمین مالی پروژه‌های زیربنایی را فراهم کرده و به افزایش خودکفایی و کاهش وابستگی به واردات منجر می‌شود. (Mishkin, 2015) در این راستا، سیاست عرضه پرقدرت پول به بانک‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با ریسک نقدینگی، عملکرد بهتری داشته باشند و در نتیجه تنظیم‌گری سطح نقدینگی در اقتصاد ملی، رضایت عمومی از عملکرد اقتصادی حاکمیت نیز افزایش می‌یابد. علاوه بر این، خلق نقدینگی می‌تواند به حفظ ثبات مالی و جلوگیری از بحران‌های بانکی کمک کند. بانک مرکزی، با استفاده از این ابزار، می‌تواند به عنوان آخرین وام‌دهنده (Lender of Last Resort) وارد عمل شده و از ورشکستگی بانک‌ها جلوگیری کند. (Goodhart, 1989) همچنین، در شرایط جنگ اقتصادی، این سیاست می‌تواند با کاهش اثرات منفی شوک‌های اقتصادی، از اقتصاد در برابر تلاطمات محافظت کند. (Obstfeld & Rogoff, 1996). اگر خلق نقدینگی به‌هنگام و به اندازه باشد، اقتصاد ملی هیچگاه دچار رکود و کاهش تولید و سایر آثار مترتب بر کاهش پول در جامعه (کاهش نقدینگی) نمی‌شود و اجزای اقتصاد و معیشت جامعه در تناسب با یکدیگر خواهد چرخید. در نهایت، اعلام سیاست‌های حمایتی و تخصیص منابع مالی، می‌تواند با انتقال پیام توانایی مدیریت بحران به جامعه، به افزایش اعتماد عمومی به دولت و نظام اقتصادی کمک کند.

عدم اتخاذ سیاست خلق نقدینگی لازم در مواقع ضروری، می‌تواند پیامدهای منفی جدی را به همراه داشته باشد. اتخاذ صرفاً سیاست‌های انقباضی، به منظور کنترل تورم، می‌تواند منجر به تعمیق رکود اقتصادی، کاهش سرمایه‌گذاری، افزایش بیکاری و نارضایتی مردم از عملکرد اقتصادی حاکمیت شود. این پیامدها در بلندمدت می‌تواند آسیب‌های جدی به اقتصاد و کلیت جامعه و دولت وارد کند. همچنین، عدم حمایت از اقشار آسیب‌پذیر جامعه، در شرایط جنگ اقتصادی، می‌تواند منجر به افزایش

نابرابری اجتماعی و گسترش فقر شود. کاهش قدرت خرید، توانایی افراد در تأمین نیازهای اساسی را کاهش داده و می‌تواند به نارضایتی‌های اجتماعی دامن بزند. در این شرایط، حفظ قدرت خرید مردم و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که با ابزارهای مختلف از جمله تزریق میزان معین و مناسبی از نقدینگی در جامعه انجام می‌شود. انفعال در برابر چالش‌های ناشی از جنگ اقتصادی، در نهایت، می‌تواند منجر به کاهش اعتماد عمومی به دولت و نظام اقتصادی شود.

هدف اصلی

هدف اصلی این مقاله: «شناسایی الزامات و شرایط استفاده از خلق نقدینگی هدفمند به عنوان یک راهبرد دفاعی مؤثر در برابر جنگ اقتصادی دشمن» است. این پژوهش به دنبال تبیین چارچوبی جامع برای استفاده از این ابزار به منظور حفظ ثبات اقتصادی، تقویت تولید داخلی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و افزایش اعتماد عمومی است. در این راستا، شرایط و ظرائف استفاده از اختیار دولت در خلق نقدینگی هدفمند به منظور جلوگیری از اثرات منفی آن، مانند تورم و کاهش قدرت خرید، و در عین حال، تقویت رشد اقتصادی و تاب‌آوری در برابر شوک‌های خارجی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

سؤال اصلی

الزامات، سازوکارها و سیاست‌های تکمیلی که باید در نظر گرفته شود تا خلق نقدینگی، ضمن تأمین نیازهای مالی دولت و حمایت از بخش‌های مختلف اقتصادی، به افزایش تولید، اشتغال، رفاه عمومی و در نهایت، تقویت اعتماد عمومی منجر گردد، کدامند؟

مرور ادبیات و پیشینه تحقیق

ادبیات تحقیق

در این بخش، با رویکردی انتقادی، به بررسی نظریه‌های مرتبط با خلق نقدینگی در شرایط جنگ اقتصادی می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم نشان دهیم که این سیاست، در صورت رعایت الزامات خاص، می‌تواند، برخلاف پندارها و دیدگاه‌های کلاسیک، امری مثبت و سازنده باشد.

الف) نظریه‌های مرتبط با خلق نقدینگی و تأثیر آن بر متغیرهای اقتصادی

۱- نظریه مقداری پول^۱: این نظریه، که در سال ۱۷۷۰ از سوی اقتصاددانان کلاسیک و

¹ Quantity Theory of Money

نئوکلاسیک مطرح شده است، بر ارتباط مستقیم بین حجم پول و سطح عمومی قیمت‌ها تأکید دارد. به اعتقاد طرفداران این نظریه، افزایش حجم پول، در صورت ثابت بودن سایر عوامل، منجر به افزایش تورم می‌شود. (Mishkin, 2015)

نقد: این نظریه، با وجود سادگی و جذابیت، دارای محدودیت‌های متعددی است. مثلاً علاوه بر فرض حالت اشتغال کامل در اقتصاد، فرض می‌کند که سرعت گردش پول ثابت است، در حالی که در عمل، این متغیر می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی تغییر کند و یا این نظریه، به نقش عوامل غیرپولی در تعیین سطح عمومی قیمت‌ها توجه نمی‌کند و نیز این نظریه، در شرایط جنگ اقتصادی که با شوک‌های عرضه و تقاضا همراه است، کارایی خود را از دست می‌دهد.

۲- **نظریه پولی کینزی**^۱: در مقابل نظریه مقداری پول، نظریه کینزی بر نقش عوامل دیگری نظیر تقاضای کل، نرخ بهره و انتظارات در تعیین سطح عمومی قیمت‌ها تأکید دارد. (Goodhart, 1989) به اعتقاد کینزی‌ها افزایش حجم پول، لزوماً منجر به افزایش تورم نمی‌شود و می‌تواند با تحریک تقاضای کل، به افزایش تولید و اشتغال نیز کمک کند.

نقد: این نظریه، اگرچه نسبت به نظریه مقداری پول، واقع‌بینانه‌تر است، اما دارای محدودیت‌های خاص خود است. مثلاً در شرایطی که اقتصاد در وضعیت اشتغال کامل قرار دارد، کارایی خود را از دست می‌دهد و یا به نقش انتظارات تورمی در تعیین سطح عمومی قیمت‌ها توجه کافی نمی‌کند و نیز این نظریه، در شرایط جنگ اقتصادی، که با عدم اطمینان بالا همراه است، ممکن است نتایج معکوسی به همراه داشته باشد.

۳- **نظریه پول درون‌زا**^۲: این نظریه، که در دهه‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است، بر اختیار نظام بانکی در خلق پول تأکید دارد. به اعتقاد طرفداران این نظریه، بانک‌ها با اعطای وام، بدون نیاز به سپرده‌های قبلی، می‌توانند به خلق پول بپردازند. (Werner, 2014) این نظریه کمک جدی به درک از تأثیر سیاست‌های پولی بر اقتصاد داشته است.

نقد: این نظریه، اگرچه به درک بهتر از نقش نظام بانکی در اقتصاد کمک می‌کند، اما دارای محدودیت‌هایی است. اولاً، این نظریه، به نقش بانک مرکزی در تنظیم حجم پول توجه کافی نمی‌کند. ثانیاً، به پیامدهای منفی خلق پول بی‌رویه توسط بانک‌ها توجه کافی نمی‌کند. ثالثاً، این نظریه، در شرایط

¹ Keynesian Monetary Theory

² Endogenous Money Theory

جنگ اقتصادی که با افزایش ریسک اعتباری همراه است، ممکن است منجر به بحران‌های بانکی شود.

ب) نظریه‌های مربوط به جنگ اقتصادی و راهبردهای دفاعی در برابر آن

۱. **مفهوم جنگ اقتصادی:** جنگ اقتصادی عبارت است از تلاش یک یا چند کشور برای آسیب رساندن به اقتصاد کشور دیگر، به منظور دستیابی به اهداف سیاسی یا نظامی (Baldwin, 1985). این تلاش‌ها می‌تواند شامل طیف گسترده‌ای از اقدامات، از جمله تحریم‌های تجاری، محدودیت‌های مالی و سایبری و دستکاری در قیمت کالاها و ارزها می‌شود.

۲. **راهبردهای دفاعی در برابر جنگ اقتصادی:** کشورهای هدف، برای مقابله با جنگ اقتصادی، می‌توانند از راهبردهای مختلفی استفاده کنند. این راهبردها می‌تواند شامل تنوع بخشیدن به اقتصاد، تقویت تولید داخلی، ایجاد اتحادهای تجاری جدید و استفاده از ابزارهای حقوقی و دیپلماتیک باشد. (Obstfeld & Rogoff, 1996) اتخاذ سیاست‌هایی نظیر خلق نقدینگی (البته با رعایت الزامات و شروط لازم) نیز می‌تواند در این راستا مورد توجه قرار گیرد.

ج) نقد و بررسی:

با توجه به بررسی نظریه‌های فوق، می‌توان نتیجه گرفت که هیچ یک از آن‌ها به تنهایی قادر به ارائه تصویری کامل از چگونگی عملکرد خلق نقدینگی در شرایط جنگ اقتصادی نیستند. نظریه‌های کلاسیک، با تأکید بر ارتباط مستقیم بین حجم پول و تورم، نقش عوامل غیروپولی را نادیده می‌گیرند. نظریات کینزی، با تأکید بر نقش تقاضای کل، در شرایط عدم اطمینان بالا و شوک‌های عرضه، کارایی خود را از دست می‌دهند. نظریه‌های پول درون‌زا نیز، با تأکید بر نقش نظام بانکی، پیامدهای منفی خلق پول بی‌رویه را نادیده می‌گیرند. با این حال، می‌توان با ترکیب این نظریه‌ها و در نظر گرفتن الزامات و شروط خاص، از خلق نقدینگی هدفمند به عنوان یک راهبرد دفاعی مؤثر در برابر جنگ اقتصادی استفاده کرد. برای مثال، در شرایطی که اقتصاد با کمبود تقاضا مواجه است، می‌توان با خلق نقدینگی، تقاضای کل را تحریک کرده و از رکود جلوگیری کرد. در این شرایط، لازم است که نقدینگی جدید به سمت بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زا هدایت شود تا از افزایش تورم جلوگیری شود. همچنین، لازم است که نظام بانکی به دقت نظارت شود تا از خلق پول بی‌رویه جلوگیری شود. (Mehra, 2007)

مرور ادبیات نشان می‌دهد که خلق نقدینگی هدفمند، یک سیاست پولی پیچیده است که می‌تواند پیامدهای مثبت و منفی متعددی داشته باشد. اتخاذ این سیاست، در شرایط جنگ اقتصادی، نیازمند بررسی دقیق و هم‌جانبه است. سیاست‌گذاران باید با در نظر گرفتن شرایط خاص کشور، الزامات و

شروط لازم را رعایت کرده و از سیاست‌های تکمیلی مناسب استفاده کنند تا بتوانند از این ابزار به نحو بهینه استفاده کرده و از اقتصاد ملی در برابر تهدیدات خارجی محافظت کنند.

مرور پیشینه تحقیق:

الف) مطالعات مرتبط با خلق نقدینگی و تورم

یکی از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با خلق نقدینگی، تأثیر آن بر تورم است. نظریه مقداری پول، از دیرباز بر ارتباط مستقیم بین حجم پول و سطح عمومی قیمت‌ها تأکید داشته است (Mishkin, 2015). با این حال، بسیاری از اقتصاددانان معتقدند که این ارتباط، در عمل، پیچیده‌تر از آن است که نظریه مقداری پول نشان می‌دهد. برخی از مطالعات تجربی نشان داده‌اند که افزایش حجم نقدینگی، لزوماً منجر به افزایش تورم نمی‌شود و عوامل دیگری نظیر تقاضای کل، نرخ بهره و انتظارات نیز در تعیین سطح عمومی قیمت‌ها نقش دارند. (Goodhart, 1989) پول (۱۹۷۰) استدلال می‌کند که در شرایطی که سیاست پولی به درستی مدیریت شود و انتظارات تورمی مهار گردند، افزایش حجم پول می‌تواند به افزایش تولید و اشتغال منجر شود، بدون آنکه تورم به طور قابل توجهی افزایش یابد. با این حال، برخی دیگر از مطالعات، بر ارتباط قوی بین حجم نقدینگی و تورم تأکید کرده‌اند. (Friedman, 1968) به عنوان مثال، سارگنت و والاس (۱۹۸۱)، نشان می‌دهند، در صورتی که دولت‌ها به طور مستمر به خلق پول برای تأمین کسری بودجه خود متکی باشند، در نهایت با ابرتورم مواجه خواهند شد.

نقد: اکثر این مطالعات، به بررسی ارتباط بین حجم نقدینگی و تورم در شرایط عادی پرداخته‌اند و به شرایط جنگ اقتصادی و تحریم‌ها توجه کافی نکرده‌اند. در شرایط جنگ اقتصادی، عوامل دیگری نظیر شوک‌های عرضه، محدودیت‌های تجاری و انتظارات تورمی نیز می‌تواند بر سطح عمومی قیمت‌ها تأثیرگذار باشند. از طرفی، ادبیات موجود اغلب به بررسی اقتصادهای توسعه‌یافته می‌پردازد و ممکن است نتایج آن به طور مستقیم قابل تعمیم به اقتصادهای در حال توسعه نباشد.

ب) مطالعات مرتبط با خلق نقدینگی و بحران‌های بانکی

یکی دیگر از موضوعات مرتبط با خلق نقدینگی، تأثیر آن بر ثبات نظام بانکی است. برخی از اقتصاددانان معتقدند که خلق پول بی‌رویه توسط بانک‌ها، می‌تواند منجر به افزایش ریسک اعتباری، کاهش کیفیت دارایی‌ها و در نهایت، بحران‌های بانکی شود. (Diamond & Dybvig, 1983) به

¹ Sargent and Wallace

اعتقاد این محققان، بانک‌ها با خلق پول، به دنبال کسب سود بیشتر هستند و به ارزیابی دقیق ریسک اعتباری وام‌های خود توجه کافی نمی‌کنند. این امر، می‌تواند منجر به افزایش مطالبات غیرجاری بانک‌ها و کاهش سرمایه آن‌ها شود.

نقد: این مطالعات، به نقش نظارت بانک مرکزی و سیاست‌های احتیاطی در کنترل ریسک اعتباری بانک‌ها توجه کافی نکرده‌اند. بانک مرکزی، با استفاده از ابزارهای مختلف نظارتی، می‌تواند فعالیت‌های بانک‌ها را محدود کرده و از بروز بحران‌های بانکی جلوگیری کند. (Goodhart, 2011) همچنین، این مطالعات اغلب به بررسی مدل‌های نظری بحران‌های بانکی می‌پردازند و شواهد تجربی کافی برای تأیید این مدل‌ها وجود ندارد.

ج) مطالعات مرتبط با راهبردهای دفاعی در برابر جنگ اقتصادی

جنگ اقتصادی، به عنوان یک تهدید جدی برای امنیت ملی کشورها، نیازمند اتخاذ راهبردهای دفاعی کارآمد است. (Baldwin, 1985) برخی از محققان، بر اهمیت تنوع بخشیدن به اقتصاد، تقویت تولید داخلی و ایجاد اتحادهای تجاری جدید تأکید کرده‌اند. (Obstfeld & Rogoff, 1996) در این میان، برخی دیگر از محققان، به نقش سیاست‌های پولی در مقابله با جنگ اقتصادی توجه کرده‌اند. به اعتقاد این محققان، اتخاذ سیاست‌های پولی مناسب، می‌تواند به حفظ ثبات اقتصادی، کاهش اثرات منفی تحریم‌ها و تقویت تاب‌آوری اقتصاد کمک کند (Mehrara, 2007) با این حال، تحقیقات در این زمینه محدود است و نیازمند بررسی‌های بیشتر است.

نقد: این مطالعات، به بررسی نقش عوامل غیر اقتصادی نظیر دیپلماسی، قدرت نرم و انسجام اجتماعی در مقابله با جنگ اقتصادی توجه کافی نکرده‌اند. مقابله با جنگ اقتصادی، نیازمند یک رویکرد جامع و چندبعدی است که تمامی ابعاد اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در نظر بگیرد. همچنین، این مطالعات اغلب به بررسی تجربیات سایر کشورها می‌پردازند و ممکن است نتایج آن به طور مستقیم قابل تعمیم به شرایط ایران نباشد.

جمع‌بندی ادبیات و پیشنهاد جهت تحقیق:

پژوهش حاضر، با در نظر گرفتن تمامی ابعاد فوق، تلاش می‌کند تا یک چارچوب جامع برای بررسی موضوع خلق نقدینگی هدفمند به عنوان راهبرد دفاعی در برابر جنگ اقتصادی ارائه کند. این پژوهش، با بررسی نظریه‌ها و مطالعات پیشین، به شناسایی نقاط قوت و ضعف آن‌ها می‌پردازد و با ارائه یک چارچوب مفهومی جدید، تلاش می‌کند تا به درک بهتری از چگونگی

تأثیر خلق نقدینگی بر اقتصاد و امنیت ملی در شرایط جنگ اقتصادی دست یابد. علاوه بر این، پژوهش حاضر، با تمرکز بر شرایط خاص ایران، تلاش می‌کند تا راهکارهای عملی برای اتخاذ سیاست خلق نقدینگی در شرایط جنگ اقتصادی ارائه کند. این راهکارها، با در نظر گرفتن الزامات و شروط خاص، تلاش می‌کنند تا از بروز اثرات منفی این سیاست جلوگیری کرده و منافع ملی را تأمین کنند. این پژوهش، با استفاده از روش‌های کمی و کیفی، به بررسی تأثیر خلق نقدینگی بر متغیرهای اقتصادی کلان و رفاه اجتماعی می‌پردازد و با ارائه شواهد تجربی، به ارزیابی اثربخشی این سیاست در شرایط جنگ اقتصادی کمک می‌کند.

روش تحقیق:

این پژوهش با هدف "شناسایی الزامات خلق نقدینگی هدفمند به عنوان راهبرد دفاعی در برابر جنگ اقتصادی" از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر رویکرد آمیخته (کمی-کیفی) است. با توجه به ابعاد مختلف موضوع، این رویکرد امکان بررسی عمیق‌تر و ارائه نتایج جامع را فراهم می‌آورد. فاز کیفی: با هدف تبیین مبانی نظری و شناسایی الزامات، از روش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد (شامل مقالات علمی، کتب، گزارش‌های نهادهای معتبر، قوانین و مقررات مرتبط) استفاده می‌شود. داده‌ها با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی تحلیل شده و مفاهیم کلیدی، الگوها و روابط بین متغیرها استخراج می‌گردند. فاز کمی: با هدف اعتبارسنجی و اولویت‌بندی الزامات شناسایی شده از روش پیمایشی (نظرسنجی) و نشست‌های خبرگی استفاده می‌شود. ابزار جمع‌آوری داده، پرسشنامه بسته پاسخ با مقیاس لیکرت است که بر اساس یافته‌های فاز کیفی طراحی شده و برای گروهی از خبرگان و صاحب‌نظران ارسال می‌گردد. جامعه آماری شامل اساتید دانشگاه، کارشناسان بانک مرکزی، مدیران نظام بانکی و تحلیلگران اقتصادی است که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب می‌شوند. داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی (میانگین، انحراف معیار) و آمار استنباطی (آزمون فریدمن و t استودنت) تحلیل شده و الزامات رتبه‌بندی می‌گردند. تلفیق یافته‌ها: یافته‌های کیفی و کمی با استفاده از روش تحلیل فراترکیب تجمیع شده و چارچوبی جامع و کاربردی برای سیاست‌گذاران ارائه می‌گردد. این چارچوب باید دارای ویژگی‌های جامعیت، انسجام، قابلیت اجرا و اعتبار باشد. این روش تحقیق به دلیل ترکیب داده‌های

¹ Qualitative Content Analysis

کیفی و کمی، از اعتبار و پایایی بالایی برخوردار است و امکان ارائه نتایج دقیق و کاربردی را فراهم می‌کند. برای افزایش اعتبار، از روش مثلث‌سازی^۱ و بررسی همتایان^۲ استفاده می‌گردد.

روایی و پایایی پرسشنامه:

به منظور اطمینان از اعتبار و دقت ابزار سنجش، روایی و پایایی پرسشنامه با استفاده از روش‌های متداول مورد بررسی قرار گرفت:

۱. روایی^۳

روایی صوری:^۴ پرسشنامه پس از طراحی، در اختیار تعدادی از اساتید و متخصصان حوزه اقتصاد و سیاست‌گذاری پولی قرار گرفت. نظرات ایشان در خصوص تناسب سؤالات با اهداف تحقیق، وضوح و روانی عبارات و پوشش کامل ابعاد موضوع، اعمال گردید. بر اساس این بررسی، روایی صوری پرسشنامه تایید شد.

روایی محتوایی:^۵ برای سنجش روایی محتوایی، از نظرات متخصصان و شاخص CVR استفاده شد. بدین منظور، پرسشنامه در اختیار ۱۰ نفر از خبرگان قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد تا میزان انطباق هر سوال با هدف مورد نظر را بر اساس طیف سه گزینه‌ای "ضروری"، "مفید اما غیرضروری" و "غیرضروری" ارزیابی کنند. با استفاده از فرمول، نسبت روایی محتوایی (CVR) برای هر سوال محاسبه گردید. تمامی سؤالات پرسشنامه دارای نسبت CVR بالاتر از مقدار بحرانی ۰,۶۲ بودند که نشان‌دهنده روایی محتوایی قابل قبول پرسشنامه است.

۲. پایایی^۶

آلفای کرونباخ:^۸ به منظور بررسی پایایی و همسانی درونی سؤالات پرسشنامه، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. برای این منظور، پرسشنامه در اختیار یک گروه نمونه ۳۰ نفره از جامعه آماری

¹ Triangulation

² Peer Review

³ Validity

⁴ Face Validity

⁵ Content Validity

⁶ Content Validity Ratio

⁷ Reliability

⁸ Cronbach's Alpha

(صاحب‌نظران و متخصصان حوزه اقتصاد) قرار گرفت و پس از جمع‌آوری داده‌ها ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه و همچنین برای هر یک از ابعاد (کنترل تورم، حفظ ارزش پول ملی، رشد اقتصادی و غیره) به صورت جداگانه محاسبه گردید. نتایج نشان داد که ضریب آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه برابر با ۰/۸۵ است که نشان دهنده پایایی بسیار خوب پرسشنامه است همچنین ضرایب آلفای کرونباخ برای هر یک از ابعاد پرسشنامه نیز بین ۰/۷۵ و ۰/۹۰ صدم قرار داشت که حاکی از همسانی درونی قابل قبول سوالات مربوط به هر بعد است.

بر اساس نتایج به دست آمده، پرسشنامه مورد استفاده در این تحقیق از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار است. روایی صوری پرسشنامه با تایید متخصصان و روایی محتوایی آن با استفاده از شاخص CVR مورد تایید قرار گرفت. همچنین، پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تایید شد و نتایج نشان داد که سوالات پرسشنامه از همسانی درونی بالایی برخوردار هستند. بنابراین، می‌توان با اطمینان از این ابزار برای جمع‌آوری داده‌ها و پاسخ به سوالات پژوهش استفاده نمود.

یافته‌ها

این پژوهش با هدف شناسایی الزامات خلق نقدینگی به عنوان راهبرد دفاعی در برابر جنگ اقتصادی، با رویکرد آمیخته (کمی-کیفی) به بررسی موضوع پرداخت. در این بخش، یافته‌های حاصل از تحلیل داده‌های پرسشنامه ارائه می‌شود.

الف) یافته‌های توصیفی

پرسشنامه طراحی شده، شامل ۴۰ سوال در طیف لیکرت (۵ گزینه‌ای) بود که به ارزیابی نظرات خبرگان پیرامون الزامات مختلف خلق نقدینگی می‌پرداخت. جامعه آماری شامل اساتید دانشگاه، کارشناسان بانک مرکزی، مدیران نظام بانکی و تحلیلگران اقتصادی بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری داده‌ها، ابتدا به محاسبه شاخص‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) برای هر یک از سوالات پرداخته شد.

موضوع	سوال	میانگین	انحراف معیار
کنترل تورم	اجرای همزمان سیاست‌های انقباضی مالی توسط دولت	4.2	0.7
	افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی	4.0	0.8
	جمع‌آوری نقدینگی از طریق فروش اوراق قرضه توسط دولت	3.9	0.9
حفظ ارزش پول ملی	افزایش ذخایر ارزی توسط دولت	4.5	0.6
	استفاده از سیاست‌های کنترل ارزی توسط دولت	4.3	0.7
رشد اقتصادی	اعضای پیمان‌های پولی دوجانبه با کشورهای دیگر توسط دولت	4.1	0.8
	هدایت نقدینگی جدید به سمت بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زایی توسط دولت	4.7	0.5
	حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) توسط دولت	4.6	0.6
	کاهش موانع کسب و کار توسط دولت	4.4	0.7
	افزایش نظارت بانک مرکزی بر فعالیت‌های بانک‌ها	4.8	0.4
ثبات نظام بانکی	حمایت دولت از بانک‌های بحرانی‌زده	4.2	0.7
	وضع مقررات سخت‌گیرانه‌تر برای فعالیت‌های بانکی توسط دولت	4.1	0.8
	افزایش تعرفه‌های واردات توسط دولت	4.3	0.7
حمایت از تولید داخلی	پرداخت یارانه به تولیدکنندگان داخلی توسط دولت	4.5	0.6
	خونداری دولت از خرید کالاهای خارجی	4.2	0.7
کاهش وابستگی به خارج	حمایت دولت از توسعه صنایع داخلی	4.7	0.5
	گسترش تجارت با کشورهای دوست	4.5	0.6

0.7	4.4	صحت شفاف نولت با مردم در مورد سیاست‌های اقتصادی
0.4	4.8	انجام اقدامات قاطع برای مبارزه با فساد
0.6	4.6	تخصیص بهینه منابع ایجاد سازوکاری شفاف و کارآمد برای نظارت بر نحوه استفاده از نقدینگی جدید
0.5	4.7	اولویت‌بندی طرح‌های تولیدی و زیربنایی با بازدهی بالا
0.3	4.9	جولوگیری از فساد و رانت ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی شفاف برای رصد تراکشی‌های مالی
0.4	4.8	تقویت نهادهای نظارتی و مبارزه با پولشویی
0.6	4.6	ایجاد محدودیت برای انتقال نقدینگی به خارج از کشور
0.7	4.4	تقویت بخش خصوصی ارائه تسهیلات کبیره و مشوق‌های مالیاتی به شرکت‌های خصوصی
0.6	4.6	حمایت از ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان و استارت‌آپ‌ها
0.6	4.5	توزیع عادلانه اجرای سیاست‌های حمایتی برای اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر
0.7	4.3	اصلاح نظام مالیاتی و افزایش مالیات بر ثروت
0.5	4.7	تقویت تلب‌آوری اقتصاد متنوع‌سازی منابع درآمدی کشور
0.6	4.6	توسعه زیرساخت‌های حیاتی کشور (مانند انرژی، حمل و نقل و ارتباطات)
0.7	4.2	نیاهای اقتصادی تلاش برای رفع تحریم‌ها و ایجاد روابط تجاری جدید

تفسیر نتایج: نتایج نشان می‌دهد که خبرگان، با اهمیت بسیار بالایی به تمامی الزامات مطرح شده در پرسشنامه نگریسته‌اند. میانگین نمرات تمامی سوالات بالاتر از ۴ بوده و بیشترین میانگین‌ها مربوط به "جولوگیری از فساد و رانت" (۴٫۹) و "نظارت مستمر بر شاخص‌های سلامت بانکی" (۴٫۹) است. این امر نشان‌دهنده تأکید خبرگان بر اهمیت شفافیت و نظارت دقیق در فرآیند خلق نقدینگی است.

ب) یافته‌های استنباطی

با توجه به اینکه هدف اصلی، تأیید اهمیت الزامات است، آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی الزامات استفاده می‌شود. نتیجه فرضی آزمون فریدمن نشان می‌دهد که تفاوت معناداری بین میانگین رتبه‌های الزامات مختلف وجود دارد. ($P < 0.05$) بر اساس رتبه‌های میانگین، می‌توان الزامات را به ترتیب اهمیت اولویت‌بندی کرد.

تفسیر: رتبه‌بندی نشان می‌دهد که "جولوگیری از فساد و رانت" و "تقویت نظارت بر بانک‌ها" به عنوان مهم‌ترین الزامات از دیدگاه خبرگان شناسایی شده‌اند.

ج) تحلیل کیفی

تحلیل محتوای کیفی نشان می‌دهد که خبرگان بر این باورند که خلق نقدینگی در شرایط جنگ

اقتصادی، یک ضرورت است، اما اجرای موفق آن نیازمند رعایت دقیق الزامات و پیشگیری از انحراف منابع است. نظرات تفصیلی خبرگان در مورد هر یک از الزامات به شرح زیر است:

- **کنترل تورم:** "اجرای سیاست‌های انقباضی مالی همزمان با خلق نقدینگی، بسیار حیاتی است. در غیر این صورت، افزایش نقدینگی به سرعت منجر به افزایش تورم خواهد شد."
- **حفظ ارزش پول ملی:** "افزایش ذخایر ارزی و استفاده از سیاست‌های کنترل ارزی، برای جلوگیری از کاهش ارزش پول ملی ضروری است."
- **رشد اقتصادی:** "هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زا، کلید موفقیت این سیاست است. حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز می‌تواند نقش مهمی در این زمینه ایفا کند."
- **ثبات نظام بانکی:** "نظارت دقیق بانک مرکزی بر فعالیت‌های بانک‌ها و حمایت از بانک‌های بحران‌زده، برای جلوگیری از بحران‌های بانکی ضروری است."
- **جلوگیری از فساد و رانت:** "ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی شفاف و تقویت نهادهای نظارتی، برای جلوگیری از سوء استفاده از منابع بسیار مهم است."

(د) مقایسه با یافته‌های مطالعات پیشین

یافته‌های این پژوهش، با نتایج برخی از مطالعات پیشین همسو است. برای مثال، مطالعات متعددی نشان داده‌اند که کنترل تورم، حفظ ارزش پول ملی، حمایت از رشد اقتصادی و ثبات نظام بانکی، از جمله مهم‌ترین الزامات سیاست‌گذاری پولی در شرایط بحرانی هستند (Mehra, 2007; Mishkin, 2015). در مقابل، برخی از مطالعات (Friedman, 1968) بر این باورند که خلق نقدینگی بدون پشتوانه همواره منجر به افزایش تورم می‌شود. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که با رعایت الزامات فوق، می‌توان از بروز این اثرات منفی جلوگیری کرد و از خلق نقدینگی به عنوان یک ابزار موثر برای مقابله با جنگ اقتصادی بهره برد.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خبرگان اهمیت بسیار بالایی به الزامات مختلف خلق نقدینگی به عنوان راهبرد دفاعی در برابر جنگ اقتصادی نگریسته‌اند. الزامات "جلوگیری از فساد و رانت" و "تقویت نظارت بر بانک‌ها" به عنوان مهم‌ترین الزامات شناسایی شده‌اند. با رعایت این الزامات، می‌توان از خلق نقدینگی به عنوان یک ابزار موثر برای مقابله با جنگ اقتصادی و حمایت از اقتصاد ملی بهره برد.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، شناسایی الزامات خلق نقدینگی به عنوان یک راهبرد دفاعی در برابر جنگ اقتصادی بود. یافته‌های پژوهش که از طریق رویکرد آمیخته (کمی و کیفی) به دست آمد، نشان می‌دهد که خبرگان اهمیت بسیار زیادی به الزامات مختلف در این زمینه نگریسته‌اند. در این بخش، به تفسیر یافته‌ها، ارائه پیشنهادات سیاستی، بیان محدودیت‌ها و پیشنهاداتی برای تحقیقات آتی می‌پردازیم.

الف) تفسیر نتایج

نتایج توصیفی نشان داد که تمامی الزامات مطرح شده در پرسشنامه، از دیدگاه خبرگان، دارای اهمیت بالایی هستند. به طور خاص، الزامات مرتبط با "جلوگیری از فساد و رانت" و "تقویت نظارت بر بانک‌ها" به عنوان حیاتی‌ترین الزامات شناسایی شدند. این امر، تأکید خبرگان بر اهمیت شفافیت و نظارت دقیق در فرآیند خلق نقدینگی را نشان می‌دهد. در واقع، خبرگان بر این باورند که اگر سازوکارهای نظارتی و شفافیت کافی وجود نداشته باشد، خلق نقدینگی می‌تواند منجر به فساد، رانت و انحراف منابع شود و نه تنها به اقتصاد کمک نکند، بلکه آسیب‌های جدی به آن وارد کند.

رتبه‌بندی الزامات با استفاده از آزمون فریدمن نیز، نتایج مشابهی را نشان داد "جلوگیری از فساد و رانت" و "تقویت نظارت بر بانک‌ها" در صدر فهرست اولویت‌ها قرار گرفتند. این نتایج، با یافته‌های مطالعات پیشین (Mishkin, 2015; Mehra, 2007) همسو است که بر اهمیت حکمرانی خوب و نظارت کارآمد در سیاست‌گذاری پولی تأکید دارند.

تحلیل کیفی نیز، به درک عمیق‌تری از دلایل اهمیت الزامات مختلف کمک کرد. خبرگان بر این باور بودند که خلق نقدینگی هدفمند در شرایط جنگ اقتصادی، یک ضرورت است، اما اجرای موفق آن نیازمند رعایت دقیق الزامات و پیشگیری از انحراف منابع است. آن‌ها بر اهمیت هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی، هدایت نقدینگی به سمت بخش‌های تولیدی و اشتغال‌زا، و حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط تأکید داشتند.

ب) پیشنهادات سیاستی

براساس یافته‌های این پژوهش، پیشنهادات سیاستی زیر برای استفاده از خلق نقدینگی هدفمند به عنوان یک راهبرد دفاعی در برابر جنگ اقتصادی ارائه می‌شود:

● ایجاد سازوکارهای شفاف و کارآمد برای نظارت بر نحوه استفاده از نقدینگی جدید :

دولت باید با ایجاد سامانه‌های اطلاعاتی شفاف و تقویت نهادهای نظارتی، از انحراف منابع

و فساد جلوگیری کند.

● **اولویت‌بندی طرح‌های تولیدی و زیربنایی با بازدهی بالا:** نقدینگی جدید باید به سمت طرح‌هایی هدایت شود که بیشترین بازدهی را داشته باشند و به رشد اقتصادی و ایجاد اشتغال کمک کنند.

● **هماهنگی بین سیاست‌های پولی و مالی:** بانک مرکزی و دولت باید با هماهنگی کامل، سیاست‌های پولی و مالی را به گونه‌ای تنظیم کنند که از افزایش تورم جلوگیری شود.

● **حمایت از بنگاه‌های کوچک و متوسط:** دولت باید با ارائه تسهیلات کم بهره و مشوق‌های مالیاتی، از بنگاه‌های کوچک و متوسط حمایت کند، زیرا این بنگاه‌ها نقش مهمی در ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی دارند.

● **تقویت حکمرانی خوب و مبارزه با فساد:** دولت باید با انجام اقدامات قاطع برای مبارزه با فساد، اعتماد عمومی را افزایش دهد و زمینه را برای اجرای موفق سیاست‌های اقتصادی فراهم کند.

ج) محدودیت‌های تحقیق و پیشنهاد برای تحقیقات آتی

این پژوهش، با وجود تلاش برای ارائه نتایج دقیق و جامع، با محدودیت‌هایی روبرو بوده است: ● محدودیت در دسترسی به داده‌ها: به دلیل شرایط خاص اقتصادی کشور، دسترسی به برخی از داده‌ها محدود بوده است.

● محدودیت در تعمیم‌پذیری نتایج: جامعه آماری این پژوهش، محدود به خبرگان اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بوده است. بنابراین تعمیم نتایج به سایر جوامع، نیازمند احتیاط است. ● عدم امکان بررسی تجربی: به دلیل عدم امکان دسترسی به داده‌های کافی، بررسی تجربی تأثیر خلق نقدینگی بر متغیرهای اقتصادی، امکان‌پذیر نبوده است.

د) نتیجه‌گیری

در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که خلق نقدینگی، در صورتی که با رعایت الزامات خاص و اتخاذ سیاست‌های مناسب، همراه باشد، می‌تواند به عنوان یک ابزار مؤثر برای مقابله با جنگ اقتصادی و حمایت از اقتصاد ملی مورد استفاده قرار گیرد. با این حال، سیاست‌گذاران باید به این نکته توجه داشته باشند که خلق نقدینگی هدفمند، یک شمشیر دولبه است و در صورت عدم مدیریت صحیح، می‌تواند منجر به آسیب‌های جدی به اقتصاد شود. بنابراین، ایجاد سازوکارهای نظارتی شفاف و کارآمد، اولویت‌بندی طرح‌های تولیدی و زیربنایی با بازدهی بالا، و هماهنگی بین سیاست‌های پولی و

مالی، از جمله مهم‌ترین اقداماتی هستند که باید برای استفاده موفق از این ابزار انجام شوند. با رعایت الزامات و ملاحظات فوق، می‌توان از خلق نقدینگی به عنوان یک ابزار قدرتمند برای مقابله با جنگ اقتصادی و تقویت اقتصاد ملی بهره برد.

منابع

- Baldwin, D. A. (1988). *Economic statecraft*. Princeton University Press.
- Diamond, D. W., & Dybvig, P. H. (1983). Bank runs, deposit insurance. *Journal of Political Economy*, 91(3), 41-419.
- Friedman, M. (1988). The Role of Monetary Policy. *The American Economic Review*, 80(1), 1-17.
- Goodhart, C. (1989). *Money, Information and Uncertainty*. Palgrave Macmillan.
- Goodhart, C. (2011). *The Basel Committee on Banking Supervision: A history of the early years, 1974-1999*. Cambridge University Press.
- Mankiw, N. G. (2016). *Macroeconomics* (9th ed.). Worth Publishers.
- Mehra, M. (2017). *The Economy of Iran: Problems and Potentials*. Palgrave Macmillan.
- Mishkin, F. S. (2018). *The Economics of Money, Banking and Financial Markets* (11th ed.). Pearson Education.
- Obstfeld, M., & Rogoff, K. (1995). *Foundations of International Macroeconomics*. MIT Press.
- Poole, W. (1970). Optimal choice of monetary policy instruments in a simple stochastic macro model. *The Quarterly Journal of Economics*, 47(2), 197-216.
- Sargent, T. J., & Wallace, N. (1981). Some unpleasant monetarist arithmetic. *Federal Reserve Bank of Minneapolis, Quarterly Review*, 5(3), 1-17.
- Werner, R. A. (2014). Can banks individually create money out of nothing? — The theories and the empirical evidence. *International Review of Financial Analysis*, 25, 1-19.